

گفت‌وگو

محمود گبرلو در گفت‌وگو با «وطن امروز»

رسالت هفت معرفی دیدگاه‌های سینمایی آوینی به نسل جوان است



سینمایی آوینی در برنامه هفت جمعه شب گذشته، برخی رسانه‌ها نسبت به این میزگرد متفاوت واکنش نشان دادند و گبرلو را متهم کردند او از همان طیفی است که به آوینی حمله می‌کردند. گبرلو در واکنش به این مساله به خبرنگار «وطن امروز» گفت: برخی اخبار کذب و دروغ را بیخودی به من نسبت می‌دهند، مخصوصا به نقدهایم در روزنامه رسالت در سال‌های دور. گبرلو اذعان داشت: اولین باری نیست که برخی درصدد تخریب بنده و برنامه هفت هستند. همچنان بسیاری از روی کینه‌ورزی، حسادت و نادانی درباره نگرش من به آوینی مطالبی را منتشر می‌کنند که کذب محض است. در آن دوران ۳ روزنامه جمهوری‌اسلامی، رسالت و کیهان به جریان اصولگرایی منتسب بودند. در آن مقطعی که شهید بزرگوار آوینی در قید حیات بودند و فعالیت می‌کردند روزنامه رسالت در بخش سینمایی تنها روزنامه‌ای بود که مدافع اندیشه‌های شهید آوینی بود. ممکن است در صفحات سیاسی مطالبی نوشته شده باشد که بنده از آن مطلع نیستم و نبودم، باید یادآوری کنم در آن مقطع در سمناری که در باب سینمای پس از انقلاب برگزار شد، تنها منتقدی که مدافع اندیشه‌های آوینی بود، بنده بودم و حتی پس از شهادت ایشان روزنامه وژنامه‌ای به همت من منتشر کرد. همچنان پس از گذشت بیست و چند سال نقطه نظرات متفاوتی درباره ایشان وجود دارد و در مدتی که سردبیری برنامه هفت را بر عهده داشتم هر سال تلاش کردم آوینی را از منظری سینمایی برای مخاطبان بازتعریف کنم. من در برنامه سینمایی هفت همچنان از ایشان یاد دارم و سعی می‌کنم در جاویدان نگاه داشتن یاد این بزرگوار، نقطه نظرات ایشان را جستجو کنم. گبرلو یادآور شد: دیدگاه‌های این مسلمان روشنفکر پیرو خط ولایت از زوایای مختلف باید مورد ارزیابی قرار بگیرد چرا که در زمان حیات ایشان فرصت نشد به صورت رسانه‌ای این جستجو را به‌طور بیشتر گفت‌وگو کنیم و نظریات دقیق و متناظر او را کشف کنیم. از همین رو سوآل‌هایی از آن دوران بی‌جواب مانده و هر کس بر اساس ذهنیات و برداشت خودش تئوری‌های ایشان را تبیین می‌کند. وی یادآور شد: من به سهم خود در برنامه هفت سعی می‌کنم اندیشه‌های سینمایی ایشان را جست‌وجو کنم و این را برای خودم یک وظیفه می‌دانم و به دوستانی که سعی می‌کنند نگاه بنده را عرفی‌زده توصیف کنند، می‌گویم سخت اشتباه می‌کنید، جهت‌گیری من می‌گزرد اصولی بود و باز هم سعی می‌کنم در دفاعات بدانی این جستجو را در نگه‌های سینمایی آوینی ادامه پیدا کند. رسالت «هفت» معرفی دیدگاه‌های سینمایی آوینی به نسل جوان است. برای ما همچنان جای سؤال است که چرا آوینی آثار کیومرث پوراحمد را به عنوان یک دگراندیش می‌پذیرفت؟ چرا با مخالفت یک مسلمان انقلابی به فیلم ریکا و عروس علاقه داشت. ما در این برنامه سعی کردیم به پوششی تفحصی در این زمینه برسیم و تصور می‌کنم می‌زگرد خوبی را برگزار کردیم.

اخبار

شبکه‌های رادیویی «میزان»

و «کودک و نوجوان» متولد می‌شوند

معول صدای سازمان صداوسیما از تاسیس دو شبکه رادیویی با نام «میزان» و «کودک و نوجوان» خبر داد. محمدحسین صوفی، درباره دو شبکه‌ای که بزودی به شبکه‌های رادیویی می‌پیوندند به مهر گفت: ما سال گذشته به همه قول‌هایی که درباره تاسیس شبکه‌ها دادیم عمل کردیم و شبکه‌هایی چون «خواننده»، «لیخنده» و… را تاسیس کردیم. وی ادامه داد: اسمال نیز ۲ شبکه جدید به معاونت صدا اضافه خواهد شد. صوفی در پایان بیان کرد: شبکه «میزان» با مشارکت قوقفضاییه بزودی راه‌اندازی می‌شود و شبکه «کودک و نوجوان» نیز توسط حوزه معاونت صدا به دیگر شبکه‌های رادیویی می‌پیوندد.

■ ■ ■

فیلمی در تمسخر جشنواره کن در این جشنواره حضور دارد

فیلم سینمایی «رد کارت» به کارگردانی رضا عطاران و تهیه‌کنندگی احمد احمدی در دو سانس در بازار جشنواره فیلم کن نمایش داده می‌شود. احمد احمدی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «رد کارت» در گفت‌وگو با مهر با بیان این مطلب که این فیلم سینمایی در بازار جشنواره بین‌المللی فیلم کن در ۲ سانس به نمایش درخواهد آمد، گفت: هرچند این فیلم سینمایی قرار است در بازار این جشنواره به نمایش درآید اما اقدام خاصی برای حضور «رد کارت» در بخش مسابقه نکرده‌ایم و تا زمانی که پروانه نمایش فیلم در ایران صادر نشود، برنامه‌ای برای حضور آن در جشنواره‌های مختلف نداریم. وی در پاسخ به اینکه با توجه به اینکه «رد کارت» فیلمی درباره حواشی فستیوال کن است، اگر به بخش مسابقه راه پیدا کند تا چه اندازه موفق خواهد شد، توضیح داد: فیلم‌هایی از این دست در جشنواره بین‌المللی فیلم کن آنچنان در صف رقابت با دیگر فیلم‌های سینمایی قرار نمی‌گیرند چراکه کن جشنواره فیلم‌های عظیمی است. احمدی که تجربه چندین‌بار حضور در جشنواره کن را داشته، ادامه داد: فضای حاکم بر جشنواره فیلم کن یک فضای سلانتی‌مانتال است به گونه‌ای که به سمت فیلم‌هایی از نوع «رد کارت» نمی‌رود.

گفت‌وگو با محمدرضا شفاه و محمدباقر مفیدی کیا، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «لکه»

گفت‌وگو با محمدرضا شفاه و محمدباقر مفیدی کیا، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «لکه»

نظامی که ناگهان مشروع شد!



متوجه آن نشود فقط مخاطب با دیدن لکه سبز بر لباس او متوجه قضیه شود.

■ **آوردن سسه نفر از بازیگرانی که هر سه در عرصه سینما و تلویزیون سرشناس هستند و حضور خانم فریبا کوثری برای خیلی‌ها جالب بود.**

شفافه: پروسه یک ماهه‌ای که برای انتخاب بازیگران طی شد به این صورت بود که در ابتدای مسیر یعنی ۱۲-۱۰ روز اول، سه این نتیجه رسیدیم که هیچ بازیگر جدی را در این فیلم نخواهیم داشت. یعنی همه فیدبک‌ها منفی بود و هر کسی به دلیلی حضور در فیلم لکه را رد کرد. هرچند گزینه‌های ابتدایی، کسانی بودند که در ۱۲-۱۰ روز اول نتوانسته بودیم از آنها جواب بگیریم. این به معنای این نیست که همه ۱۰ گزینه ابتدایی ما جواب منفی داده باشند که ما به سراغ آقای نعمتی رفته باشیم، نه! آقای نعمتی اتفاقا جزو گزینه‌های اولیه ما هم بودند. به هرحال با وضعیتی که مثلا گزینه‌های اول و پنجم و دهم ما در همان روزهای اول جواب رد داده بودند ما داشتیم به این نتیجه می‌رسیدیم که بازیگر جدی نخواهیم داشت اما ناگهان از روز ۱۲-۱۰

■ **ولی به جزئیاتی نیاز داشت.**
مفیدی کیا: بله! تنه نداشت ولی سر و ته داستان مشخص بود. همیشه دغدغه فیلمنامه‌نویس‌ها مثل خود من، شروع و پایان داستان است؛ نقاط عطف و نقاط اوج و فرود

را می‌شود کار کرد. یعنی اینکه انتهای داستان به چه پایان و معنایی خواهم رسید مهم است. البته انتهای داستان در ایده مطرح شده کاملا مشخص نبود. اینکه در مراسم معارفه چه اتفاقی خواهد افتاد یا مادر صرفا سر و صدا خواهد کرد یا.. که من گفتم اصلا نیازی به

سرر و صدای آن زن نیست بلکه همین حضور ایشان در مراسم کافی است. به هرحال من نوشتن فیلمنامه را پذیرفتم. از همان ابتدا هم فینال روایت را می‌نوشتم یعنی شاید روزی ۵-۴ خط و حداکثر یک صفحه می‌شد. به مرور یک چیزهایی کشف می‌کردم. مثلا اینکه این خانم از همان ابتدا خودش را لو نمی‌دهد که مذهبی است حتی به نظر می‌آید که دیدگاه‌های افراطی ضدنظام مطرح می‌کند و به نظر می‌رسد مهندس رحمانی آدم معقول‌تری است. این جابه‌جایی شخصیت در اواسط کار به ذهنم رسید که ما خانم را در ابتدای فیلم تندرو و حتی با دیالوگ‌های ضدنظام و مهندس را معقول، احساساتی و مؤذب جلوه دهیم.

در نیمه دوم که مهندس خودش را لو می‌دهد این جابه‌جایی اتفاق می‌افتد. یا مثلا راننده از ابتدا هویتش برای من معلوم نبود. به اواخر داستان که می‌رسیم کم‌کم متوجه شدم او هم جایگاه مهمی در روند داستان خواهد داشت که جای مشخصی را ماجرا بروز خواهد کرد. وقتی شروع به نوشتن کردم آن لکه کلاخ به نظم رسید که برای سکانس اول، افتتاحیه خوبی بود و در داستان قرار دادم. گویی طبیعت هم قصد

دارد سرنشین این اتومبیل را رسوا کند. این سکانس افتتاحیه را که نوشتم احساس کردم این لکه باید یک بازی کند. به مرور ایده لکه روی لباس به ذهنم رسید و ادامه دادیم تا جایی که نام اولیه ایده را که «مکافات» بود به لکه تغییر دادم. همیشه به این فکر می‌کردم که در فینال داستان، چه اتفاقی بیفتد بهتر است. آیا آن خانم کاری انجام ندی ولی مهندس رسوا شود. یا.. به این نتیجه رسیدم که شاید بتوانیم با نماد و سمبل این کار را انجام دهیم. یعنی مهندس رسوا شود اما کسی

غیرمسئولانه‌ای برای رسیدن به قدرت دارند. ما این مسائل را در انواع احزاب سیاسی و در همه اقشار و گروه‌ها می‌بینیم. من احساس می‌کنم یک بخشی از مخاطبان با این مساله در فیلمنامه، کاملا ارتباط برقرار کردند. یعنی ما در حال نقد پدیده‌ای هستیم که در فیلم لکه به صورت دراماتیکی به این شکل بروز کرده است. مگر ما در طول انقلاب کم داشتیم از این دست آدم‌هایی که لابی کشیدند و در هر دولتی از این جناح به آن جناح رفتند؟ یک تعدادی از آنها البته شناخته شدند ولی خصوصا در سطح مدیران میانی بسیار زیاد از این دست افراد وجود دارند. یعنی مدیران میانی را می‌بینید که در یک دوره با یک دولت کار می‌کنند و در دولت بعدی حرف‌های دولت جدید را می‌زنند و یا او کار می‌کنند. البته نه فقط در سطح میانی بلکه تا سطوح عالی مدیریتی، من به تعداد زیاد چنین مدیرانی سراغ دارم. در سطوح عالی فرد باید خیلی اعتماد به نفس داشته باشد و در عین حال سیاستمدار بسیار خوبی باشد که یک روز یک حرفی بزند که مثلا این نظام مشروعیت ندارد و یک روز دیگر در صحن مجلس با کمال اعتماد به نفس بگوید من

تبعیت محض از مقام معظم رهبری دارم! این اتفاق که این آدم سعی می‌کند خود را همرنگ شرایط موجود کند تا در سیستم جای بگیرد، این اتفاقی است که برای هیچ آدمی -چه مذهبی یا غیرمذهبی، چه معتقد به نظام یا غیر آن- قابل قبول نیست. ■ **بیامی که من از «لکه» برداشت کردم برای شخص خود من جذاب است.**
اصلاح‌طلبان با

رفتارشان طی چند سال اخیر نشان دادند اگر ما بر سر قدرت نباشیم این نظام و انتخاباتش مشروعیت ندارد. این حرف را می‌توانیم به یک طیف گسترده‌ای از اصلاح‌طلبان تعمیم دهیم؟ بگذار این استنباط من به واقعیت لکه نزدیک است؟

شفافه: دقیقا صحیح است. از وقتی من عالم سیاست را شناختم همیشه همین ماجرا بوده‌است. یعنی همیشه طیف اصلاح‌طلب وقتی نظام را قبول دارد که بر سر قدرت باشد. از طرف دیگر مسؤولی که آزادی‌اندیشه را بیان می‌کند منظورش دقیقا چیست؟ آزادی چه کسی در قبال چه چیزی؟ آزادی ضدانقلاب را نقد انقلاب! هر گز و حتی برای یک بار منظورش این نیست که دهنمکی هم حرفش را بزند. ابدا! اگر دهنمکی تا این حد جایگاه خود را مستحکم نکرده بود مگر می‌گذاشتند فیلم بسازد؟ قطعاً نمی‌گذاشتند. هفته‌نامه ۹ دی تعطیل می‌شود؟

■ **آنها هم در مقابل جبهه و حزبی که در حال حاضر، مهم‌ترین نکته‌ای که در اینجا وجود دارد و فکر می‌کنم از این پس می‌توان در کارهای مشابه، روی آن حساب کرد این بود.** ما در لکه، گروهی را نقد می‌کردیم که الزام به نقد کردنشان به دلیل داشتن پرچسب اصلاحات نبود بلکه آدم‌هایی را نقد کردیم که رفتارهای



انقلاب، نظام را نقد می‌کند نباید اشکال داشته باشد ولی اگر مسؤولی را که در صدر منصبی قرار گرفته و علیه نظام اقدام می‌کند را نقد کنیم از نظر آنها اشکال دارد. در این حوزه هم به این شکل است. یعنی وقتی می‌گویم مشروعیت نظام یعنی مشروعیت من(منظور اصلاح‌طلبان است)! اصلا نظام یعنی من! احتمالا وقتی حرف از نظام می‌زند منظورش نظام جمهوری اسلامی نیست. نظامی است که او در آن حاکم است. واقعا به نگاه اصلاح‌طلبی همین است. فقط با همین تحلیل می‌توان متوجه دلیل عملکردهایشان شد. خیلی از افرادی که در عرصه هنر کار می‌کنند، سعی می‌کنند مباحث را به صورت جامع ببینند و برایشان مهم است. ممکن است برخی از آنها قدرت تحلیلشان خوب باشد و مسائل را خوب ببینند و بعضی قدرت تحلیل خوبی ندارند و مدام می‌پرسند تا موضوع برایشان روشن شود. برایم جالب بود که یکی از خانم‌هایی که برای بازگتری در نظر داشتیم و به دفتر ما آمد، می‌گفت با خواندن فیلمنامه، دلم خنک شد. گفتم چرا؟ گفت این سیاستمدارها حقشان را از دانشگاه شروع نکرده‌اند بلکه از حدود ۹ سالگی تئاتر بازی می‌کردم و کلا هنرهای نمایشی جزو علایق شخصی من بوده و جساتر تش را داشته‌ام اما با تمام انرژی که دارم یکسری دغدغه‌های شخصی مثل انقلاب یا موضوعات ایدئولوژیک دیگر جزو اولویت‌های بزرگ زندگی است و سینما ناخودگاه در خدمت این مسائل قرار می‌گیرد. من سینما را قبل از اینکه نوع تفکرم را به دست بیاورم داشته‌ام یعنی قبل از رسیدن به سنی که سیاست با مسائل اعتقادی را پشتانسم، درگیر تجربه‌های خام هنری بودام ولی وقتی که مسائل اعتقادی برای من روشن شد ناخودگاه سینما برای من در خدمت این مسائل قرار گرفت. یعنی من سینما را برای این دوست دارم که می‌توانم از آن چنین استفاده‌ای کنم و حرف‌هایی را بزنم که شاید دیگران نمی‌زنند و این مساله دغدغه مشترک ما با سایر دوستان مثل آقای شفاه بود. وقتی ما به مسائل مجلس نگاه می‌کردیم، مثل صحبت‌های وزاری پیشنهادی و نمایندگان مجلس در جلسات رأی اعتماد که عده‌ای به راحتی گذشته خود را انکار می‌کردند این دغدغه ما نبود ولی در آن زمان من مشغول کار دیگری بودم- پیش تولید کلبیی برای حامد زمانی-. آقای شفا با یکی دیگر از دوستان دیگر در این زمینه مشغول کار بودند. چند طرح هم نوشته شده بود که از نظر ایشان اصلا قابل قبول نبود تا اینکه در یکی از جلساتی که با آقای شفاه بودیم ایشان این ایده را که تا آن زمان من به طور کامل از آن خبر نداشتم برایم توضیح دادند که یک مسؤول دولتی است که قرار است منصبی را بگیرد، در طول راه با مادر یکی از کشته‌های فتنه سال ۸۸ برخورد می‌کند و مادر به او می‌گوید تو لیاقت نداری این مسؤولیت را قبول کنی، تو فرزند مرا کشته‌ای. البته مشخصا مادر از ابتدای طرح رویکردی انقلابی داشت. مهندس که قصد دارد از دست این مادر قرار کند، تمام تلاشش را می‌کند که او به مراسم معارفه راه نیابد ولی به هر ترتیب او

غیرمسؤولانه‌ای برای رسیدن به قدرت دارند. ما این مسائل را در انواع احزاب سیاسی و در همه اقشار و گروه‌ها می‌بینیم. من احساس می‌کنم یک بخشی از مخاطبان با این مساله در فیلمنامه، کاملا ارتباط برقرار کردند. یعنی ما در حال نقد پدیده‌ای هستیم که در فیلم لکه به صورت دراماتیکی به این شکل بروز کرده است. مگر ما در طول انقلاب کم داشتیم از این دست آدم‌هایی که لابی کشیدند و در هر دولتی از این جناح به آن جناح رفتند؟ یک تعدادی از آنها البته شناخته شدند ولی خصوصا در سطح مدیران میانی بسیار زیاد از این دست افراد وجود دارند. یعنی مدیران میانی را می‌بینید که در یک دوره با یک دولت کار می‌کنند و در دولت بعدی حرف‌های دولت جدید را می‌زنند و یا او کار می‌کنند. البته نه فقط در سطح میانی بلکه تا سطوح عالی مدیریتی، من به تعداد زیاد چنین مدیرانی سراغ دارم. در سطوح عالی فرد باید خیلی اعتماد به نفس داشته باشد و در عین حال سیاستمدار بسیار خوبی باشد که یک روز یک حرفی بزند که مثلا این نظام مشروعیت ندارد و یک روز دیگر در صحن مجلس با کمال اعتماد به نفس بگوید من تبعیت محض از مقام معظم رهبری دارم! این اتفاق که این آدم سعی می‌کند خود را همرنگ شرایط موجود کند تا در سیستم جای بگیرد، این اتفاقی است که برای هیچ آدمی -چه مذهبی یا غیرمذهبی، چه معتقد به نظام یا غیر آن- قابل قبول نیست. ■ **بیامی که من از «لکه» برداشت کردم برای شخص خود من جذاب است.**
اصلاح‌طلبان با

رفتارشان طی چند سال اخیر نشان دادند اگر ما بر سر قدرت نباشیم این نظام و انتخاباتش مشروعیت ندارد. این حرف را می‌توانیم به یک طیف گسترده‌ای از اصلاح‌طلبان تعمیم دهیم؟ بگذار این استنباط من به واقعیت لکه نزدیک است؟

■ **شما با فیلم خودتان نشان دادید که ریشه اعتدال در اصلاحات است و ما این مساله را در این شرایط باید از انتخابات که ساخته شده است کاملا حس کنیم**
یعنی پیام فیلم شما در طول ۴ سال که این دولت مستقر است همچنان تازه خواهد بود. خود شما چه فکری می‌کنید آیا معتقدید که آقایان اعتدال طلب همان اصلاح‌طلب‌های افراطی هستند؟

مفیدی کیا: اگر بخواهیم به لحاظ تاریخی و سیاسی بحث کنیم گزاره صحیح این است که یک طیفی وجود دارند (که عنوان حزب هم نمی‌شود بر آن نهاد) طیف نولیبرال که اولین بروز آن به صورت منسجم در حزب کارگزاران بود. این افراد کسانی هستند که جامعه را به سمت اسلام آمریکایی سوق می‌دهند یا نوعی حکومت اسلامی آمریکایی. یکی از طفیلی‌های آنها، اصلاحات بود و من معتقدم در حال حاضر اعتدال ملغمه‌ای از این دو است. یعنی اصلاحات و مادرش که کارگزاران است و مادر کارگزاران هم همان لیبرال‌های اوایل انقلاب و حال حاضر هستند که حتی یک زمان آنقدر آتشی بودند که برخی‌هایشان در مساله تسخیر لانه جاسوسی، گرایش ضد امپریالیست هم داشتند. معتقدم کارگزاران باهوش‌ترین طیف نولیبرال‌ها بودند و هستند. هم خوب مدیریت کردند و هم یک زمانی اصلاحات را بازی دادند و فرستادند جلو بعد که شکانند عقب. من مهندس رحمانی را یک آدم با ریشه و با سابقه می‌دانم. ببینید یک نفر مثل عبدالکریم سروش در اوایل انقلاب خیلی زود چل کرد و رفت توی سقوط. در حالی که این فرد در اوایل انقلاب جزو شورایی فرهنگی انقلاب بود و کتاب‌های دینی دبیرستان را ایشان می‌نوشت. اما امثال مهندس رحمانی شاید به دلیل تکنوکرات بودن، در فضای سیاسی نسبت به امثال سروش هم پیچیدتر و هم البته با فضای روز سازگار ترند.

تازه‌ها

«شرح اسم» به چاپ دوم رسید



کتاب «شرح اسم» شامل شرحی از زندگی رهبر معظم انقلاب اسلامی، از تسار و تولد تا سال‌های کودکی و نوجوانی و کارنامه‌ای مختصر از آغازین کنش‌های سیاسی- اجتماعی ایشان به چاپ دوم رسید. هدایت‌الله بهبودی، مدیر دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری با اشاره به آماده شدن جلد پنجم از کتاب «روزشمار تاریخ معاصر ایران» برای نمایشگاه کتاب گفت: این کتاب رخدادهای سال ۱۳۰۴ شمسی را دربردارد و اهمیت آن به جهت تحولات مهم این سال در تاریخ معاصر ایران چون سقوط سلطنت قاجار و روی کار آمدن سلطنت پهلوی است. وی ادامه داد: در این کتاب آشکارا دخالت مستقیم وزارت جنگ و ستاد ویژه‌ای که الغای سلطنت قاجار را برعهده داشتند، تبیین شده است. جلد چهارم این مجموعه در فروردین ۱۳۹۰ منتشر شده بود و در ۶۶۰ صفحه به وقایع روزانه سال ۱۳۰۳ خورشیدی می‌پرداخت. بهبودی همچنین از چاپ دوم کتاب «شرح اسم» خبر داد و تصریح کرد: در چاپ نخست این اثر ۵۰ هزار جلد توزیع شده و هم‌اکنون در آغاز چاپ دوم کتاب ۱۰ هزار جلد منتشر شده و در نمایشگاه کتاب از اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. این اثر شرحی از بر زندگی رهبر معظم انقلاب اسلامی، از تبار و تولد تا سال‌های کودکی و نوجوانی و کارنامه‌ای مختصر از آغازین کنش‌های سیاسی- اجتماعی ایشان تا پیروزی انقلاب اسلامی. کتاب «شرح اسم» حاوی زندگینامه حضرت آیت‌الله سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای به همت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شده‌است.

■ ■ ■

مارک کازنز، منتقد بین‌المللی فیلم:

به‌جای فیلم آژکو

باید «ثانیه‌های سربی» را دید

فیلم «ثانیه‌های سربی» ساخته سیدرضا ضوی به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های مستند سال ۲۰۱۳ انتخاب شد. مستند بلند ثانیه‌های سربی که سال گذشته در فستیوال ادینبورگ در اسکاتلند به نمایش درآمد، از سوی مارک کازینز، مستندساز و نویسنده سرشناس ایرلندی، کریس فوجی و آرا رئیس فستیوال ادینبورگ و منتقد برجسته انگلیسی و احسان خوشبخت منتقد و نویسنده سرشناس ایرانی مقیم انگلیس، در سایت‌ها و مجلات معتبر سینمایی از جمله سایت اند ساند، سنس آف سینما و سایت فاندز به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های مستند سال ۲۰۱۳ انتخاب شد. سنس آف سینما درباره ثانیه‌های سربی نوشته است: فیلم ثانیه‌های سربی دو چهره کاملا متفاوت از تهران به نمایش می‌گذارد. متفاوت به این معنا که از جبهی چهره یک کالاشنر شلوع و بی‌رحم را ارائه می‌کند که همه در حال تلاش برای رسیدن به شرایط بهتر برای خود هستند، از سوی دیگر شهری را نشان می‌دهد که پر است از خلاقیت و حرکت. به گفته مارک کازینز، ثانیه‌های سربی بهترین فیلمی است که می‌توان از تهران دید، به‌جای فیلم ارگو باید ثانیه‌های سربی را دید. فیلم ثانیه‌های سربی ساخته سیدرضا ضوی و از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است و بخش بین‌المللی این فیلم به همت امور بین‌الملل این مرکز انجام شده است. این فیلم تاکنون در جشنواره‌های معتبری همچون ایدفا امستردام و ادینبورگ انگلستان، آرتی تریکیه و سینما حقیقت ایران به نمایش درآمده و توسط منتقدان داخلی و خارجی مورد تحسین قرار گرفته است.

■ ■ ■

جیمز کامرون

برای «آواتار ۳ ادامه می‌سازد

جیمز کامرون، کارگردان و سازنده فیلم «آواتر» اعلام کرد فیلمنامه سه‌فیلمی که می‌خواهد در ادامه آواتار بسازد تا ۶ هفته دیگر آماده می‌شود. به گزارش مهر به نقل از لاهیبود ریپورتر، جیمز کامرون با بیان اینکه فیلمنامه سه فیلم بعدی «آواتار» ظرف ۶ هفته آینده تکمیل می‌شود، منتظران این مجموعه را خوشحال کرد. وی گفت: فیلم دوم، سوم و چهارم همزمان با هم به دست تولید سپرده می‌شوند و در حال حاضر همه در مرحله رسیدن به این مرحله لازم است. ما اکنون در حال طراحی، آماده کردن مجموعه و شخصیت‌هایی هستیم که در این سه فیلم حضور دارند. کامرون گفت به همین دلیل باید فیلمنامه‌ها همزمان به پایان برسند و کار ساخت سه فیلم همزمان شروع شود. او تاکید کرد: از نظر من ۶ هفته دیگر برای رسیدن به این مرحله زیاد است. کامرون درباره احتمال حضور آرنولد شوارتزنگر در این مجموعه، گفت: تا آنجا که از فیلمنامه‌ها می‌بینم شخصیتی که وی بتواند در نقش او ظاهر شود در فیلمنامه‌ها وجود ندارد به همین دلیل باید بگویم احتمالا آرنولد در این مجموعه جای نخواهد داشت. وی همچنین یادآور این موضوع شد که نقشه‌های ساخت اقتباسی از «فرشته نبرد» تا بعد از کمل‌شدن سه فیلم «آواتار» در حال تعلیق قرار خواهد داشت. وقتی وی با این سوال مواجه شد که در آینده این فیلم چه چیزی می‌بیند او پاسخ داد دوست دارد در آینده تاکید کم‌تری بر نمای ظاهری هر فیلمی گذاشته شود.